

تکفیر

تکفیر

تکفیر اصطلاحی است در کلام و فقه به معنای نسبت کفر دادن به مسلمان و در اصل به معنای پوشیدن و پوشاندن است. نسبت کفر دادن به مسلمان شرایط و ضوابط خاصی دارد که در احادیث علل و عواملی که ممکن است باعث تکفیر گردد و موارد غیرمجاز و شرایط آن بتفصیل مطرح شده است. پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی گردد. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام به سبب تکفیر روی داده، همچنانکه برخی رخدادها سیاسی و اجتماعی زمینه تکفیر را فراهم آورده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم، جنگهای «رده» در زمان ابوبکر بود که در این جنگها دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند. در این مقاله به بحث از موضوع تکفیر پرداخته خواهد شد.

تکفیر، اصطلاحی در کلام و فقه به معنای نسبت کفر دادن به مسلمان. تکفیر در اصل به معنای پوشیدن و پوشاندن است، ولی در عربی و فارسی به معنای گوناگونی به کار رفته (رجوع کنید بهقیومی؛ فیروزآبادی؛ معلوف، ذیل «کفر»؛ دهخدا، ذیل واژه) که بر پایه آنها در قرآن و احادیث و منابع کلامی و فقهی چند مفهوم مصطلح یافته است، از جمله پاک کردن گناهان و ابطال عقاب (رجوع کنید به ابن ابی الحدید، ج 13، ص 132؛ مجلسی، ج 5، ص 332، ج 68، ص 197؛ نیز رجوع کنید به احباط و تکفیر*)، پرداختن کفاره سوگند و مانند آن (رجوع کنید به حرّاملی، ج 12، ص 290؛ الموسوعه الفقهيّه، ج 13، ص 235-236؛ نیز رجوع کنید به کفاره*) و کافر خواندن کسی (رجوع کنید به قیومی؛ فیروزآبادی؛ معلوف، همانجاها؛ غدیری، ذیل «تکفیر») یا نسبت کفر دادن به مسلمان (محمود عبدالرحمان عبدالمنعم، ذیل «تکفیر»؛ الموسوعه الفقهيّه، ج 13، ص 227). در برخی احادیث و به تبع آن در اصطلاح فقها، تکفیر به معنای نهادن یک دست بر روی دست دیگر در هنگام ایستادن در نماز و نیز در غیرنماز برای ادای احترام آمده است (یا اصطلاحاً «تکتیف» رجوع کنید به غدیری، همانجا) که برخی فقهای امامی آن را حرام و برخی دیگر مکروه دانسته اند (رجوع کنید به حرّاملی، ج 7، ص 265-267، ج 12، ص 235؛ مجلسی، ج 81، ص 205، 325-326؛ نیز رجوع کنید به نماز*).

تکفیر به معنی نسبت دادن کفر به شخص یا گروه در قرآن کریم مصادیق متعددی دارد، از جمله کسانی که حضرت مسیح علیه السلام را خدا پنداشتند (مائده: 17، 72، 73) و افرادی که به مردم جادوگری می‌آموختند (بقره: 102؛ برای موارد دیگر رجوع کنید به عبدالباقی، ذیل «کفر») تکفیر شده اند. در احادیث نیز علل و عواملی که ممکن است سبب تکفیر گردد و موارد غیرمجاز و شرایط آن بتفصیل مطرح شده است.

پیشینه تکفیر در جهان اسلام، به صدر اسلام بازمی گردد. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام به سبب تکفیر روی داده، همچنانکه برخی رخدادهای سیاسی و اجتماعی زمینه تکفیر را فراهم آورده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم، جنگهای «رده» در زمان ابوبکر بود که در این جنگها دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند (رجوع کنید به طبری، ج 3، ص 250-252؛ ابن اعثم کوفی، ج 1، ص 15-16، 23؛ سیوطی، ص 69-71). در

باره اینکه واقعاً تمامی یا بعضی از کسانی که در آن دوره تکفیر شده اند، از دیدگاه فقه اسلامی کافرند یا خیر، تردید جدی وجود دارد و برخی گزارش‌های تاریخی تردیدهای بسیار در این باره، حتی تردید افراد نزدیک به خلیفه، را نشان می‌دهد (رجوع کنید به جعفریان، ج 2، ص 35). بنا بر برخی منابع تاریخی، عواملی مانند ندادن زکات و نپذیرفتن اصل خلافت یا در نظر گرفتن کسانی دیگر برای این مقام، در انتساب کفر به «اهل رده» یا دست کم دسته‌هایی از آنان نقش مهمی داشته است (رجوع کنید به ابن قتیبه، ج 1، ص 34؛ نوبختی، ص 4؛ ابن اعثم کوفی، ج 1، ص 16، 20؛ جعفریان، ج 2، ص 29). البته ادعای پیامبری نیز در میان آنان بسیار گزارش شده است که می‌تواند تکفیر را از دیدگاه فقهی توجیه کند (رجوع کنید به طبری، ج 3، ص 256؛ جعفریان، ج 2، ص 3229؛ برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به رده *).

واقعه مهم تاریخی دیگر در باره تکفیر، غائله خوارج است. بسیاری از فرقه‌های خوارج کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد، و حتی امت پیامبر را، تکفیر می‌کردند (رجوع کنید به شهرستانی، ج 1، ص 122، 128، 135؛ ابن ابی الحدید، ج 8، ص 113؛ مجلسی، ج 33، ص 373). در مقابل، بعضی از مسلمانان، از جمله برخی مذاهب اهل سنت، خوارج را تکفیر می‌کردند (رجوع کنید به شوشتری، ص 221؛ نیز رجوع کنید به خوارج *). در احادیث، غالیان یا غلات (آنان که در باره شخصیت امامان علیهم السلام غلو و زیاده روی می‌کردند) و قائلان به تفویض * (مفوضه) خارج از ایمان خوانده شده اند (رجوع کنید به حرّعاملی، ج 28، ص 348؛ مجلسی، ج 25، ص 265؛ نیز رجوع کنید به غلو *). بعضی از معتزله و اشاعره، مشبهه را تکفیر می‌کردند (رجوع کنید به ابن طاووس، ج 2، ص 355).

علاوه بر گروه‌ها، افراد و شخصیت‌های متعددی، چه بسا بعضی اشخاص سرشناس، را تکفیر کرده‌اند، از جمله در باره تکفیر برخی خلفا و همسران پیامبر اکرم روایاتی نقل شده است (رجوع کنید به ابن ابی الحدید، ج 3، ص 50؛ ابن طاووس، ج 1، ص 292). حتی ساحت مقدس معصومان علیهم السلام نیز از تکفیر بر کنار نمانده است (رجوع کنید به مفید، ص 313؛ شوشتری، ص 193؛ مجلسی، ج 37، ص 15).

هر چند نمونه‌های فردی و جمعی تکفیر در تاریخ اسلام کم نیست و در برهه‌هایی از تاریخ، این جریان شایع بوده است هانویک مواردی از تکفیرهای سیاسی و اجتماعی را در آفریقای غربی، از قرن نهم تا دوره معاصر گزارش کرده است (رجوع کنید به د. اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه)، نمی‌توان تکفیر را در میان فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون اسلامی چندان عمده و سرنوشت ساز دانست. حتی در نگاهی کلان، موارد افراط آمیز تکفیر، چه آنان که تکفیر کرده اند و چه آنان که تکفیر شده اند، اندک به نظر می‌رسد و امروزه شمار پیروان دیدگاه افراطی تکفیر، نسبت به کل جمعیت مسلمانان، چندان نیست. ظاهراً نظر علما و فقهای مذاهب مهم اسلامی در کاهش تکفیر مؤثر بوده است، زیرا فقها با استناد به احادیث (رجوع کنید به مجلسی، ج 69، ص 209-208؛ الموسوعه الفقهيّه، ج 13، ص 228) نسبت دادن بی دلیل کفر به مسلمان را مستوجب تعزیر دانسته اند (رجوع کنید به شهیدثانی، ج 9، ص 175؛ جزیری، ج 5، ص 194-195؛ الموسوعه الفقهيّه، ج 13، ص 229). حتی گاهی فقها با وجود نادرستی برخی عقاید، از تکفیر پیروان آنها استنکاف نموده اند (رجوع کنید به مجلسی، ج 54، ص 247-246، ج 58، ص 104). غزالی (ص 85-101) نیز ضمن توضیح معیار تکفیر، بر طایفه ای از متکلمان که با تنگ نظری اهل قبله احتراز شود. با اینهمه، از دیدگاه فقهی در مواردی معین و با حصول شرایطی خاص، تکفیر مشروع است و آثاری ویژه در پی دارد (برای تفصیل احکام رجوع کنید به ارتداد *، کفر *؛ برای آگاهی از آرای متفکران و جریانهای اجتماعی معاصر در کشورهای اسلامی در باره

تکفیر رجوع کنید به «دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد»؛ د. اسلام، چاپ دوم، ذیل واژه).
:

:	1990 /1410	1363	1969 /1388	1400	1991/1411	1404
	() 1983 /1403		1967/1387	1367	1974 /1394	1377
	1999 [] :		1987/1407	/1417	1998 /1418	[1397]? 1364
			.EI 2 , s.v1936/1355	1988 /1408	: 13 1413	1996